



بررسی نقش خانواده در اجتماعی کردن فرزندان از دیدگاه مردان متاهل دارای فرزند ۱۰ تا ۱۵ سال در

شهرستان کنگاور سال ۱۳۹۶

فروزان کارخانه^۱

مربی گروه علوم اجتماعی - دانشگاه پیام نور - تهران - ایران foroozankarkhaneh@gmail.com

چکیده

این تحقیق توصیفی-پیمایشی با هدف کلی بررسی نقش خانواده بر اجتماعی کردن فرزندان انجام شده. عوامل زیادی در اجتماعی شدن افراد دخیل اند که از آن جمله می توان به خانواده، وسایل ارتباط جمعی، مدرسه و همسالان اشاره کرد. جمعیت آماری این پژوهش را پدران دارای فرزند ۱۰ تا ۱۵ سال در شهرستان کنگاور تشکیل می دادند. حجم نمونه با استفاده از جدول بارتلت ۱۰۰ نفر به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته شامل ۵۱ گویه بود، تجزیه و تحلیل داده ها به وسیله SPSS از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر صورت گرفته و نتایج حاصل نشان می دهد که بر حسب ارزش بتا (Beta) متغیرهای نقش الگویی والدین و تفاهم بین والدین رابطه مستقیم و مثبت بر اجتماعی کردن فرزندان داشته و نقش نظارتی والدین تاثیر مستقیم و منفی در اجتماعی کردن فرزندان داشته است.

واژه های کلیدی: خانواده، اجتماعی شدن، نقش الگویی والدین، تفاهم بین والدین، نقش نظارتی والدین

مقدمه

خانواده بافت اصلی در هر جامعه و در واقع ریشه جامعه است ما در جامعه شناسی دو روش انتقال فرهنگ داریم، یک روش مستقیم و آمرانه است (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۲). یکی روش غیر مستقیم که با آن کودک الگوها را می بیند، حس می کند، لمس می کند، از آن الگو می گیرد. شکل دوم که غیر مستقیم است، تأثیرش بیشتر است. (همان، ۶۳).

در نظریه یادگیری اجتماعی فرض بر این است که نوزاد لوحه ای خالی است که در اثر تأثیر دنیای اجتماعی، انسان می گردد. وسیله اصلی یادگیری وی یکسان سازی خودش با بالغین حاضر در محیط اولیه اش است. منحصر «خود» یکسان سازی وی را قادر می سازد که او بخش هایی از رفتار را جذب کند که منحصر به فردش خواهد ساخت. همچنین طبق این نظریه، رفتارهای اجتماعی در مجموع آموختنی هستند. فرض بر این است که یادگیریهای اولیه شخص مهمترین و با ثبات ترین آنهاست. زیرا شخص بزرگسال آماده است تا اموری را

برگزیند که روشهای گذشته اش را حفظ کند. رابرت سیرز و همفکرانش علاوه بر تکیه به نظریه یکسان سازی، بر اهمیت تفاوت در فضای اجتماعی خانواده در تقویت رفتار مطلوب در کودک تأکید کرده اند. آلبرت باندورا نیز معتقد است که شخص، رفتارش را در دوران کودکی و تقلید از دیگران، خصوصاً والدین و یا جانشینان آنان بدست می آورد. تئوری باندورا کاربردهای گسترده ای در مطالعه نحوه جامعه پذیری سیاسی فرد دارد و غالباً برای توضیح انتخاب علاقه حزبی والدین توسط فرزندان شان مورد استفاده قرار می گیرد (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶). از دیدگاه بعضی از جامعه شناسان از جمله کولی، آژانس های جامعه پذیری چون خانواده به عنوان منابع زندگی نه فقط برای افراد بلکه برای نهادهای اجتماعی به حساب می آید گردهمایی نخستین از جمله خانواده گردیده. بازی که روابط صمیمانه و احساس در آنها جاری است منابع اصلی برای ایجاد نهادهای اجتماعی شدن شمرده می شوند. ویلیام جی گود بر خانواده به عنوان عامل اساسی اجتماعی تاکید دارد به اعتقاد گود اگر شخص بخواهد نهایتاً عضوی از جامعه بشود مسلماً باید مهارتهای اجتماعی و آداب و رسوم ویژه جامعه را یاد بگیرد و خانواده وظیفه دارد آنچه را جامعه از نسل جوانتر تقاضا می کند به کودک یاد دهد البته والدین نیز وقت زیادی را صرف این امر می کنند. از دیدگاه بعضی از اندیشمندان، اجتماعی شدن فقط حاصل تأثیرات عوامل بیرونی نیست بلکه نیروهای خود ما نیز در شکل گیری منش و شخصیت ما نقش دارند. بنا به نظر اریک فروم، روانکار اجتماعی، ما به وسیله ویژگیهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه مان شکل می گیریم، با این حال، این نیروها به طور کامل منش ما را تعیین نمی کنند. ما عروسکهای خیمه شب بازی نیستیم که به نخ هایی که جامعه آنها را می کشد واکنش نشان دهیم. بلکه مجموعه ای از ویژگیها یا مکانیسم های روان شناختی داریم که بوسیله آنها ماهیت خود و جامعه ما را شکل می دهیم. خود به تنهایی در اجتماعی شدن نقش ندارد، بلکه حاصل کمک کنش و مکانیسم هاست. این تفکیک و تمیزها فقط جهت تحلیل علمی است. در کل، خود در دیالکتیک میان فرد و جامعه که شامل همه موارد فوق است به رشد و نمو خود ادامه می دهد. بازی کردن، کار، فعالیت داشتن و نمو خود در زندگی روزمره در پرورش خود و اجتماعی شدن آن مؤثر است. از دیدگاه گرت